

**نویسنده:** الاستیر کروک (Alastair Crooke).

**منبع و تاریخ نشر:** انفارمیشن کلیرنگ «2017-07-14».

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

**شما نمیتوانید داعش (ISIS) را درک کنید اگر شما**

**تاریخ و هابیگری در عربستان سعودی را ندانید**

**You can't understand (ISIS) if you don't know the History  
of Wahabism in Saudi Arabia**

**بیروت:** ورود چشمگیر داعش (ISIS) در صحنه و سرزمین عراق بسیاری از مردم در غرب را تکان داد، اکثریت از آنها رابه نسبت اینکه داعش در جوانان سنی مسلمان با کشش هرچه سریعتر و اشکار به خشونت دامن میزند ناراحت و وحشت زده ساخته است. اما بیشتر از این ناراحتی، آنها را دمد می مزاجی عربستان سعودی به نسبت عدم واکنش و توضیح در مواجه شدن به این رویداد و تظاهر متعجب ساخته و آن اینکه آیا برآستی عربستان سعودی این را نمیداند و یا نمی فهمد که (داعش=ISIS) آنها را نیز تهدید نخواهد کرد؟



**محمد ابن عبد الوهاب تمیمی**

همین اکنو کاملاً اشکار شده است که نخبگان حاکم عربستان سعودی بینهم به چند دستگی تقسیم شده اند، بعضی ها اذعان می کنند که داعش با آتش مذهبی سنی ها علیه آتش شیعه ها در جنگ وجدال اند و مبارزه میکنند تا اگر بتوانند یک دولت جدید

سنی ها را در قلب آنچه که آنها آن را بعنوان میراث تاریخی سنی ها در نظر دارند شکل دهند و خود را با ایدئولوژی سختگیرانه ای از سلاطین داعش آراسته و آگاه و مجهز سازند .

اما تعداد دیگر از سعودی ها بیشتر احساس ترس میکنند و تاریخ شورش را علیه شاه عبدالعزیز که توسط وهابیت اخوان (شبهه نظامی های مسلمان) صورت گرفت به یاد می آورند (سلب مسولیت = این اخوان «*ikhwan*» هیچ ارتباطی با اخوان المسلمین و اخوانی ها ندارد) - لطفاً توجه داشته باشید که همه مراتب بعدی به وهابیت اخوان ارجاع میشود و نه به اخوان المسلمین (که ریشه و منشای آن در مصر جوانه زد) - اما در اواخر دهه (1920) وها بیت و آل سعود تقریباً فروکش کرده بود .

مگر اکنون بسیاری از اهل سعودی در عربستان سعودی عمیقاً در تحت تاثیر آموزه های رادیکال داعش قرار گرفته و به آن آشنا شده اند و اکنون اکثر آنها بخاطر آگاهی خود از آموزه های داعش به طرح سوالات برخی از جنبه های این ایدئولوژی از مقامات عربستان سعودی دست بکار شده اند .

**دوگانگی سعودی ها (the Saudi Duality):** اختلافات و تنش های داخلی در عربستان سعودی در مورد داعش تنها با درک دوگانگی ذاتی (پایدار) که در هسته ای آرایش دایمی پادشاهی عربستان منشأ تاریخی دارد صورت میگیرد ، که یکی از ریشه های این دوگانگی ویا یکی از رعایت و قبولی حاکمیت هویت سعودی به **محمد بن عبد الوهاب** « بنیاد گذار وها بیت » ارتباط میگرد که « **ابن سعود** » آن ایده و نظریه را دیکال و خبیثانه او را مورد استفاده قرار داد ویا آنرا بکار برد ( او آخرین رهبر و راهنمای کوچک در میان از بسیاری ها بود ) - قبیله های بدوی با دینه نشین و صحرانشین پیوسته از دشت ها و بیابانهای سوخته **نجد** ( فلاتی است کوهستانی در کشور عربستان سعودی که ارتفاع آن بین «750» تا «1500» متر میباشد از شمال به عراق و کشور اردن از جنوب به **ربع الخالی** از مشرق به **احسا** و از مغرب به **حجاز** محدود است ..... از ویکی پدیا) بیرون رفتند .



ریشه دوم این دوگانگی پیچیده و بگرنج دقیقاً به تغییرات بعدی پادشاهی عبدالعزیز و دوران زمامداری دولتی اش به دهه (1920) سر میخورد. یکی از این تغییرات شامل محدود کردن خشونت‌های بود که توسط اخوان (Ikhwan) تحمیل میشد او میخواست که کشور اش (با داشتن موقعیت دیپلماتیک بعنوان یک کشور مادری با انگلیس و آمریکا روابط داشته باشد) تغییر دیگر دوران تسلط او نهادینه ساختن انگیزه وها بیت اصلی بود - بعداً موضوع کشف ذخیره نفت پرفروش ترین قلم صادراتی بنام پترو دالر که پیوسته در حال فزونی و افزایش سود بود زمینه را مساعد ساخت که اخوان های خانگی به بیرون از خانه به گردش و به صادرات اموال و بویژه به صادرات نفت بپردازند - لذا اوخواست تا همچو تغییرات را توسط یک انقلاب فرهنگی نه از نوع انقلاب خشن در سراسر جهان اسلام تحقق دهد .

اما این انقلاب فرهنگی انقلاب مودبانه و یا مطیع نبود که زمینه را برای آوردن اصلاحاتی که او میخواست مساعد سازد یعنی این انقلاب برخلاف از آنچه که ژاکوبین ( حزب ژاکوبین حزبی بود که از دستاوردهای انقلاب فرانسه حمایت بعمل می آورد ) و عبدالوهاب از آن نفرت داشتند بود چونکه عبدالوهاب خود از پوسیدگی و انحرافات و بت پرستی در دنیای اسلام منزجر بود و او میخواست که با تحقق یک انقلاب فرهنگی این همه خرافات و بت پرستی ها را از جهان اسلام بدور اندازد .

**مسلمانان دغلكار :** نویسنده و روزنامه نگار امریکایی استیون کول ( Steven Coll ) چنین نوشته است : شگفت اور اینست که چگونه این شاعر سرسخت و سزاوار دانشمند قرن چهاردهم عبدالوهاب ابن تمیه ( Ibn Taymiyyah ) از « تزین ، هنر ، سیگا روحشیش کشی و مشروب نوشیدن و دهل و درام زدن اسراییلیهای مصری و عثمانی ها نجیب زاده » که به سراسر عربستان سعودی بخاطر ادای فریضه حج به مکه سفر میکنند یا دوری میکند ؛ چونکه از چشم انداز عبدالوهاب اینها اصلاً مسلمان نیستند بلکه آنها مسلمانان فریبکار و دغلباز اند - او یعنی عبدالوهاب در عین زمان رفتار و کردار عرب های محلی بدوین ( Bedouin ) و بادیه نشینان را نیز بیشتر و بهتر نمی پسندید چونکه آنها در هنگام ادای عبادات مقدس خود افراط گرایی مینمودند در بالای مقبره های خویشاوندان و بویژه بالای مقبره های معبود خود ( تزین مقبره های الهه ها یا اماکن مقدسه ) سنگ های بلند میگذاشتند و اکثر شان مصروف خرافات بودند که موجب خشنودی او میگردد و میگفت که اینگونه رفتارها و روشها را خدا منع کرده است - او مثل ابن تمیه قبل از خود را عقیده بر آن بود که در دوران پیغمبری حضرت محمد که او در مدینه می زیست جامعه اسلامی یک جامعه ایدئال اسلامی بود که امروز همه مسلمانان جهان باید از آن الهام گیرند و خود را به همان سلوک و رفتارها عیار سازند

که این خود یک سلفیزم (salafism) اساسی می‌باشد. بهر صورت ابن تیمیه را باید شناخت که نیلماً معرفی می‌گردد.

{ **احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه حرانی** معروف به **ابن تیمیه** (۲۲ ژانویه ۱۲۶۳ / ۲ بهمن ۶۴۱ در **حران** - ۲۸ سپتامبر ۱۳۲۸ / ۵ مهر ۷۰۷ در **دمشق**) عالم **الهیات**، **حدیث** و **فقه**، **منطق‌دان** و **اخترشناس** بود. او باور به این داشت که علوم طبیعی برتر از علوم ریاضی هستند و این را ردی بر **فلسفه مشاء** می‌دانست و همچنین کسانی که به پیروی از **ارسطو** قائل به آن هستند که بهترین فلسفه‌ها نخست فلسفه الهی و سپس فلسفه ریاضی و سپس فلسفه طبیعی است. چنان‌که در کتاب‌های متعددی از او شامل: ردی بر منطقیین، تعارض خرد و گفتار، رساله عرش‌ی او نقض فلسفه الهی و بیان نیکی‌های فلسفه طبیعی (مانند فیزیک) و **فلسفه ریاضی** به خوبی مشخص است. [۳۱]

وی فقیه **حنبل‌ی** و **سلفی** و مبتکر و بنیان‌گذار نظری **وهابیت** است. درباره القاب و عنوان درست او اختلاف بسیار است. چه او را با القابی چون **مفسر**، **رحالی**، **مفتی** و **ادیب** یاد کرده‌اند [۳۲] **محمد بن خضر** (م. ۶۲۲ق) پدر او روحانی حنبلی مذهب بود که در عقاید و فقه از مذهب «احمد بن حنبل» (م/۲۴۱) پیروی می‌کرد، از این جهت فرزند خود را به مدارس حنابله فرستاد تا **فقه حنبلی** را فرا گیرد. جدّ اعلا‌ی وی از دانشمندان حنبلی مذهب و نخستین فرد ملقب به ابن تیمیه بوده است.

آیین **وهابیت** در قرن ۱۲ هجری بر اساس افکار و آراء او پی ریزی گردید. به گونه‌ای که شناخت عقاید وهابیان در گرو شناخت ابن تیمیه و آراء و عقاید او است. البته **محمد بن عبدالوهاب** مؤسس وهابیت بخشی از عقائد او را گرفت، و قسمت‌های دیگر آنرا رها کرد و به آن اهمیت نداد. [۳۳] وی همچنین اصرار می‌ورزد که آنچه در **قرآن** و **احادیث** وارد شده، بر همان معانی لغوی و متداول عرفی باید حمل شود و از کسانی که این نوع از صفات را به کمک قرائن موجود در آیات و روایات بر معانی مجازی و کنائی و معقول حمل می‌کنند، **مؤوله** (تاویل‌گرا) نامیده انتقاد می‌کند و می‌گوید: «همه صحابه و تابعان نیز بر این عقیده بوده‌اند»

**تیمیه جنگ و مبارزه را با شیعیان، تصوفیان و فلسفه‌ای یونان اعلام کرد.**

او همچنان به ارتباط زیارت و بازدید از مقبره حضرت **محمد** و برگذاری از جشن روز تولد آن حضرت سخن زد و اعلام کرد که این نوع رفتارها صرفاً تقلید از پرستش مسیح بنام خدای بندگان او «یعنی بت پرستی» است - عبد الوهاب همه‌ای این یکسان سازی‌ها و شبیهی سازی‌ها را تعریف کرد و اظهار داشت که «هرگونه شک و تردید از طرف یک مومن در رابطه با پذیرش این تفسیر خاص از اسلام به این مفهوم است که اگر او این گفته‌ها و آموزه‌های عبدالوهاب را نه پذیرد از زندگی و اموال خود باید محروم گردد».

یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های عبدالوهاب ایده ویا نظر کلیدی «تکفیر» است که برحسب آموزه تکفیری عبد الوهاب پیروانش میتوانند همسایگان مسلمان خود را بخاطر دریافت سود و منفعت تکفیر نمایند در صورتیکه اگر آنها مصروف فعالیت‌های شوند که سرپیچی و تخطی از اوامر به نفع‌ها کمیت قدرت مطلق (پادشاه) بنمایند.

عبد الوهاب همه مسلمانانی را که به مردگان و مقدسات و فرشتگان احترام می‌گذاشتند ویا می‌گذارند محکوم میکند اومی پذیرفت ویا به این باور بود که چنین احساسات بصورت کامل انحطاطی بوده واز احساس و نزدیکی بخدا انسان را دور می‌سازد درحالیکه احساس والتجا باید بسوی خدا باشد؛ بنا براین وهابی‌ها اسلامی احترام گذاشتن به عزیزان و خویشاوندان؛ زیارت گاه‌ها، اماکن مقدسه، مقبره‌ها، مساجد و برگذاری جشن‌های مذهبی بشمول جشن گرفتن عید قربان وروز مولود حضرت **محمد** و گذاشتن سنگ‌ها بالای مقبره‌ها را ممنوع قرار داده‌اند.

لذا آنهایکه این دستورات فوق‌الذکر را نه‌پذیرند و یا از انطباق آن سرپیچی و تخطی نمایند باید کشته شوند و برهمسران و دختران آنها تجاوز صورت گیرد و ملک و جایداد و اموال آنها به غنیمت گرفته شده مصادره شود.

عبد الوهاب خواستار تحقق و انطباق اندیشه‌ها و آموزه‌های خود شد که باید نظریات و ایده‌های او با بکارگیری روش‌ها از راه‌های فزینی بطور ملموس نشان داده شود او استدلال میکرد که همه مسلمانان باید بطور جداگانه و بدون تردید و شک و عذر خواهی به یک رهبر مسلمان (خلیفه اگر وجود نداشته باشد) تعهد و حلف وفاداری‌شان را بجا نمایند او اضافه نموده میگفت:

**که اگر کسانی با این نظرات و ایده‌های او موافق نباشند و این نظریات او را نه‌پذیرند و از تحقق آن سرپیچی نمایند باید کشته شوند بالای دختران و همسران‌شان تجاوز صورت گیرد، مال و ملکیت و دارای‌های‌شان مصادره شود**

منظور او از کسانی که از او امر او سرپیچی میکردند فهرست آنها شامل شیعیان، صوفیان و دیگر مسلمانان بود که عبدالوهاب آنها را مسلمان نمی‌نامید.

لذا در اینجا چیزی قابل تجسم وجود ندارد که وهابیت را از داعش جدا سازد اما به احتمال زیاد اگر بعد از نهادینه‌سازی از آموزه‌های محمد بن عبدالوهاب بعنوان «یک حاکم، یک قدرت و یک مسجد» سه ستون به ترتیب در اشاره به پادشاه عربستان سعودی با داشتن اقتدار مطلق وهابیت رسمی و کنترل آن بر کلمه «مسجد» تاکید صورت گیرد درز و بریدگی میان وهابیت و داعشی‌ها بوجود خواهد آمد چونکه (داعش) این سه ستون را رد میکنند و آنرا نمی‌پذیرد و متوقع هستند که در تمام مقاصد برای ایجاد دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه (آی اس آی اس = داعش) سنی‌ها با دید قرار داشته باشند که این خود یک تهدید جدی برای عربستان سعودی است.

**تاریخچه فشرده از (1718 تا 1818):** حمایت و فشاری عبدالوهاب

از این دیدگاه‌ها پیش‌ناگزیراً منجر به اخراج او از شهر خودش گردید و بالاخره بعد از گذشت و سپری شدن زمان چندی؛ او در سال (1714) پناهگاهی در زیر چتر و حمایت **ابن سعود** و قبیله‌ای او یافت، آنچه که **ابن سعود** از آموزش و تدریس رومان عبدالوهاب درک کرده بود وسیله‌ای برای سرنگونی سنت و رسوم و میثاق عرب گردید و این یگانه‌راهی بود که او توانست قدرت را تصاحب کند.

استراتژی آنها همانند امروز داعش (ISIS) این بود که مردم تحت سلطه و تسخیر شده‌ای خود را تحت شکنجه قرار میدادند و یا آنها را میترسانیدند.

قبلیه آیین سعود با استفاده از آموزه‌های عبدالوهاب، اکنون میتوانند کاری را که باید برای همیشه انجام میدادند؛ انجام میدهند و خود را بخاطر ترویج آموزه‌های عبدالوهاب به قرا و دهات دور دست رساندند و هر آنکس و یا کسانی که اگر از پذیرفتن این آموزه‌ها سرپیچی میکرد مال و ملکیت و هست و بود‌شان را تحت نام مال غنیمت غارات و تاراج میکردند آنها فقط در حال حاضر این کار را در محدوده سنت عرب بکار می‌بندند بلکه در زیر پرچم جهاد اکبر انجام میدهند - و از سوی دیگر عبدالوهاب و **ابن سعود** ایده‌ای و یا مقوله‌ای شهدا در تاراج جهاد دانسته و به ترویج مجدد آن دست بکار شدند و گفتند که شهدای راهی جهاد فوراً وارد جنت میشوند.

آنها در قدم اول چند جوامع محلی را فتح کردند و تسلط خود را بر آن جوامع تحمیل کردند (به امر و گفته ای آنها ، ساکنان جوامع فتح شده انتخاب محدودی داشتند و آن اینکه مرگ و یا قبولی آیین و ها بیت ) و در سال «1790» این ایتلاف و یا این غارتگران تمام شبهه جزیره عربستان را در تحت کنترل خود در آوردند و بالای مدینه و سوریه و عراق بار بار حمله کردند .

آنچه که در فوق گفتیم ستراتیژی آنها همانند داعش (ISIS) این بود که مردم تحت تسلط خود را به وحشت اندازند - بهر صورت در سال «1801» متفقین و یا این ایتلاف به شهر مقدس کربلا حمله کردند و هزاران شیعه را از جمله زنان و کودکان آنها را کشتند و بسیاری زیارت گاههای شیعه ها را از جمله تمام حرم و یا اهل بیت امام حسین نوه حضرت «محمد» را کشته و خاک یکسان ساختند .

یکی از مقامات بریتانیایی و فرمانده لشکر فرانسس وردن (Francis Warden) با توجه به وضعیت در آن زمان نوشت : آنها یعنی این ایتلاف تمام کربلا را غارت کردند و آرامگاه امام حسین را نیست و نابود کردند.... در جریان روز قیام با ظلم و ستم عجیب و غریب بیش از پنج هزار نفر از باشندگان کربلا را قتل عام کردند . عثمان ابن بصره نا جی اولین مورخ عربستان سعودی چنین نوشت : « که ابن مسعود» در سال (1801) مرتکب قتل عام در کربلا شد او با افتخار اعلام کرد که کشتار و یا قاتلان قتل عام میگویند : ما کربلا را کشتیم و مردم خود را همچو برده ها کشتیم و سپس ستایش کردیم به خداوند و پروردگار جهان و هرگز بخاطر این اعمال و کشت و کشتار خود عذر خواهی نمیکنیم و میگویند که ندا و سزای کافران و بی باوران باید همین سان باشد .

در سال (1803) عبدالعزیز بعداً به « مکه » وارد شد شهری که در تحت تاثیر ترور و وحشت الزاماً تسلیم شد (به همان سرنوشت که مردم «مدینه» به آن مواجهه شده بودند) پیروان عبدالوهاب آثار تاریخی و تمام مقبره ها و زیارتگاه ها را یکی بعد از دیگری خاک یکسان ساختند و در نهایت امر آنها تمام آثار و ابدات تاریخی و معماری اسلامی را که محصول زحمات و عرق ریزی قرن ها کا روزحما ت معماران اسلامی بود در نزدیکی مسجد بزرگ «مکه» از بین بردند .

اما در ماه نومبر سال (1803) یک قاتل و یا یک جلاد شیعیه شاه عبدالعزیز را کشت ( از قتل عام مردم کربلا انتقام گرفت ) بعد از او پسرش سعود بن عبدالعزیز جاگزین او شد و به فتح قسمت های باقی مانده عربستان ادامه داد . به اینصورت حاکمان عثمانی دست به الاشه نه نشستند و نخواستند که آرام بنشینند و تماشای فتوحات پسر عبدالعزیز را بنمایند و یا که امپراتوری آنها قطعه قطعه از هم بپاشد - همان بود که در سال ( 1812 ) ارتش عثمانی متشکل از مصریان ایتلاف و یا متحدین را از مدینه ، جده و مکه به عقب راندند ، و در سال (1814) سعود بن عبدالعزیز در اثر ابتلا به تب شدید فوت کرد و متأسفانه که پسر او عبدالله بن سعود گرفتار و به استانبول منتقل و اعدام گردید ( یک بازدید کننده از استانبول گزارش داد میت عبدالله بن سعود برای مدت سه روز در خیابانهای استانبول با توهین و تحقیر کش نمودند و بعد از آن مدت سر او را از تنه اش جدا قلب اش را از سینه اش بیرون آورده و بروی صدرش اویختند .

در سال (1815) نیروها وهابی توسط مصری ها (در تحت نظر عثمانی ها) در یک جنگ تعیین کننده خرد و خمیر شدند و در سال (1818) عثمانی ها پا ی تخت وهابی ها را که در (Dariyah) بود تصرف کرده آن را ویران کردند و به این ترتیب اولین دولت وهابی ها نیست و نابود گردید و وهابی ها باقی زنده مانده به دشت ها و بیابان ها سوزان برگشتند تا که مجدداً گرد هم جمع شدند و برای مدت زیاد چیزی کم و بیش از گذشت یک قرن در همان بیابانها و دشتهای باقی ماندند و زندگی کردند.

## **تاریخ با ظهور داعش (ISIS) بر میگردد :** دشوار است تا بدانید که چگونه

دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه (آی اس آی اس) در عراق معاصر بوجود می آید و یا ایجاد میگردد ؛ در میان کسانی که این تاریخ را به یاد می آورند چنین واکنش نشان میدهند که در واقع اخلاق و صفات **وها بیت** در قرن هژدهم نه اینکه در نجد (Najd) ناپدید نشد بلکه با از بین رفتن و انقراض و هرج و مرج امپراتوری عثمانی در جنگ اول جهانی دوباره داخل مسیر رشد زندگی خود شد .

ال سعود در این رنسانس قرن بیستم به ریاست عبدالعزیز از نظر سیاسی برای مدت کوتاه بگونه مستحکم رهبری شد او او در پی پیوستن اخوان (ikhwan) عرب به قبایل فرعون بید وین (Bedouin) بود و خواست که عربستان سعودی را با روحیه ای **عبدالحسین و ابن سعود** با مبارزه ای پیگیر خود تغییر آیین دهد .

اخوان (ikhwan) تناسخ و یا تکراری از جنبش پیشقراولان شدید و نیمه مستقل اخلاق گرایان (moralists) مسلح بودند که تقریباً در اواخر دهه (1800) موفق به گرفتن عربستان شدند ؛ همانگونه که قبلاً اخوان (ikhwan) نیز مجدداً در سالهای (1914) و (1926) در **مکه، مدینه، و جدّه** موفق شده بودند . عبدالعزیز رویهمرفته بخاطری آعاز به فعالیت نمود که مانع گسترده اش را در تحت تاثیر (Jacobinism) انقلابی که توسط اخوان براه می افتاد تحت نفوذ قرار دهد ، اخوان شورش کرد و شورش بالاخره منتج به آغاز جنگ داخلی شد که تا سالهای (1930) ادامه یافت تا آنکه پادشاه همه آنها را به گلوله بست و سر به نیست کرد .

برای پادشاه عبدالعزیز حقایق و واقعیت های ساده دهه های گذشته فرسایش پیدا کرده بود و مطلب قابل تذکر این که در شبهه جزیره نفت کشف شد - بریتانیا و آمریکا متمایل شدند تا با شاه عبدالعزیز روابط دوستانه برقرار نمایند ولی ناگزیراً با آنهم مکلف بودند که از **اشرف حسین** بعنوان تنها حاکم قانونی عربستان به حمایت از او دوام دهند، سعودی ها نیاز به گسترش و توسعه وضعیت دیپلماتیک بغرنج و پیچیده تری داشتند .

بنابراین **وها بیت** به شدت تمام از جنبش جهادی انقلابی و پاک سازی تکفیری الهی در حرکت دایمی به سوی تغییرات اجتماعی ، سیاسی ، دینی و مذهبی محافظه کار «دعوت به اسلامیت» و توجیه نهاد های که وفادار به خانواده سلطنتی سعودی و قدرت مطلقه پادشاه شوند طرفداری و حمایت میکرد .

## **نفت موجب گسترش وها بیزم :** با آغاز حصول پول نفت یک محقق فرانسوی

بنام جیلیس کپیل (Giles Kepel) چنین نوشت : اهداف عربستان سعودی گسترش

**وها بیت** در سراسر جهان اسلام میباید ..... به وها بی اسلامی که در نتیجه باعث کاهش تعداد زیاده‌های از صدای از دورون دین و مذ‌هب به (اعتقاد واحد) شد؛ جنبشی بود که فراتر از تقسیمات قومی و شهروندی بود و در راه تحقق این آرزو و ایده به ملیاردها دلار از درآمد پول نفت در بخش قدرت نرم افزاز سرمایه‌گذاری شد. «

این ترکیب پرسروصدا از طرح و به سرمایه‌گذاری گذاشتن ملیارد دلاری قدرت نرم و تمایل سعودی برای مدیریت سنی اسلام هر دو به نفع امریکا بود؛ زیرا که هماهنگی آن هر دو **وها بیت** را به لحاظ آموزشی، اجتماعی و فرهنگی در سرتاسر دنیای اسلامی تعبیه و یا جابجا کرد و وابستگی عربستان سعودی با امریکا از زمان دیدار و ملاقات عبدالعزیز پادشاه عربستان سعودی با روزولت (Roosevelt) رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا که در عرش‌کشتی جنگی ایالات متحده امریکا حین بازگشت **روزولت** از کنفرانس **یالتا** «Yalta» صورت گرفت تا امروز ادامه دارد.

غربی‌ها به پادشاهی سعودی نگاه‌های عمیقانه مبذول داشتند و نگاه‌های شان به ثروت اندوزی از نوسازی ظاهری رهبری استادانه جهان اسلام معطوف شده بود، آنها تصمیم گرفتند و ادعا کردند که پادشاه باید به نیازمندی‌های زندگی مدرن عطف توجه و مدیریت سنی اسلام نیز پادشاهی و سلطنت را به زندگی مدرن خویش درآمیزد.

**{ از یکطرف دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه (ISIS) عمیقاً وها بی است و از سوی دیگر شیوه‌های مرعی‌الاجراء شان فوق‌العاده رادیکال است که این اساساً میتواند بعنوان یک حرکت اصلاحی وها بیگیری معا سر دیده و پنداشته شود. }**

اما برخورد ویا رویکرد ایخوان (ikhwan) سعودی به اسلام تا سال (1930) به قوت خود باقی مانده بود، از بین نرفته و فراموش نشده بود بلکه از آن محضاً عقب‌نشینی صورت گرفته بود اما بخش‌های زیاده‌ای از آن سیستم ویا آن رویکرد را حفظ کردند آنچنانیکه ما امروز در دیدگاه عربستان سعودی نسبت به (ISIS) رویکرد دوگانگی را طور ذیل می‌بینیم:

از یکطرف دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه (ISIS) عمیقاً وها بی است و از سوی دیگر با عملکردهای مرعی‌الاجراء خود فوق‌العاده رادیکال است که این اساساً میتواند بعنوان یک حرکت اصلاحی وها بیگیری معا سر دیده و پنداشته شود.

داعش یک جنبش پس از «**مدینه**» است و چنین به نظر میرسد که اعمال دوخلیفه اول بجای خود حضرت پیغمبر «محمد» بعنوان یک منبع تقلید و به شدت از ادعای قدرت در عربستان سعودی حکایت میکند.

همانطور که پادشاه عربستان سعودی در عصر نفت به یک نهاد ماندگارتر تبدیل شده درخواست تجدید نظر ایخوان (ikhwan) پیام ویا الهامی را بدست داد (با وجود کمپین و تبلیغ مدرنیزه شدن شاه عربستان یعنی فیصل) رویکرد ایخوان از حمایت و پیشتیبانی بسیاری از مردان و زنان برجسته و شیوخ بالذات همراه بوده است بگونه مثال: **اسامه بن لادن** دقیقاً نماینده و گل سرسبد دیرینه‌ای از این رویکرد ویا سیستم ایخوانی عربستان سعودی میتواند باشد.



امروز آنطوریکه دیده میشود داعش بصورت مشروع به تضعیف مشروع شاه مشکل ساز نیست بلکه با زگشت به حقیقت واقعی پروژه و عربستان سعودی است .  
سیاستمداران غربی در مورد مدیریت همکاری منطقه توسط سعودی ها راضی هستند و آن اینکه تمام پروژه های غربی اعم از (مبارزه با سوسیا لیزم ، Ba,athism ، ناصریزم و نفوس شوروی ) بوجه بهتر تحقق می یابد و یا در حال به ثمر رسیدن است و از سوی هم این سیاستمداران غربی در پرتو انتخاب خود از عربستان سعودی خواهان ثروت « نوسازی و نفوذ بیشتر» خود هستند و آنها تصمیم گرفته اند که انگیزه و ها بیت را نادیده گیرند و یا از ترویج آن چشم پوشی نمایند .  
بعد از این همه یا دآوری ها چنین استنباط میگردد که همه جنبشهای افراطی و رادیکال تروریستی اسلامگرا که بوسیله سرویس های اطلاعاتی غربی بعنوان حربه و موثر در سرنگونی شوروی سابق در افغانستان و مبارزه با رهبران و دولت های خاورمیانه صورت گرفت رویداد های غیر قابل انکار میتواند باشد.  
چرا بعد از این با اینهمه یا دآوری ها شگفت زده شویم از اینکه از دستور و اوامر شهزاده باند ر (price Bandar) عربستان سعودی ؛ غربی ها برای مدیریت شورش در سوریه علیه رئیس جمهور «اسد» با یک تبی یا نوع از ایخوان (ikhwan) جدید از جنبش پیشرو خشونت آمیز که توام با ایجاد ترس و رعب در بین مردم در تحت تسلط بود دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه (ISIS) را بوجود آورد و یا چرا با یاد شگفت زده شویم و چرا با یاد در مورد و ها بیزم و ها بیگری چیزی ندانیم ؟ که داستان شورشیان «معتدل» در سوریه کمتر از یک اسطوره و نیست و یا به یک اسطوره ای مبدل نشده است ؟ چرا با یاد تصور کنیم که و ها بیگری رادیکال میتواند مدرن باشد؟ یا چرا ما میتوانیم تصور کنیم که این آموزه (یک رهبر ، یکی از مقامات یک مسجد به آن میرسد یا کشته میشود) در نهایت منجر به اعتدال یا تحمل میشود .

---

آنچه را که در فوق تا اینجا یادآور شدیم بخش اول این مقاله یک تحلیل تاریخی توسط (الاستیر کورک) از ریشه های دولت اسلامی افراطی عراق و سوریه و تاثیر آن بر اوضاع شرق میانه است قسمت دوم این مقاله را تحت عنوان ذیل مطالعه نماید :

**بمب زمان خاورمیانه : هدف واقعی داعش (آی اس آی اس) اینست که خانواده سعودی را بعنوان امیران جدید عربستان سعودی جاگزین کند .**

**در ادامه**

---

**(2017-07-27) با تقدیم سلامها**



